

والنتین کاتاسونوف پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی روسیه
بنام «سرگئی فیودورویچ شاراپوف»
ترجمه و اطلاعیه مترجم: ا.م. شیری

سوریه و نفت

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۳/۰۹/۱۰/siria-i-neft-۲۲۶۹۱.html>

۲۱ میزان ۱۳۹۲

از چند وقت پیش در مطبوعات اظهاراتی در این باره، که روسیه از افزایش بهای نفت در نتیجه جنگ آمریکا علیه سوریه «سود خوبی خواهد برد»، درج میشود. بهمین دلیل، گویا، به نفع روسیه است، که از اقدام نظامی غرب پشتیبانی کند نه جانبداری از دولت قانونی بشار اسد. جنبه های اخلاقی و سیاسی این استدلال کریه و کوتاه بینانه را فعلا به کناری میگذاریم و جنبه اقتصادی این موضوع را مورد مذاقه قرار میدهیم...

مسئله نفت در ارتباط با حوادث سوریه، اولین بار در ماه اوت سال جاری به خروجی خبرگزاریها راه یافت و به موضوع بررسی های تحقیقاتی جدی تبدیل گردید. در این زمان بحران در اطراف سوریه به مرحله فعال رسید و روسیه موضع اصولی و محکمی را در قبال وقایع سوریه اتخاذ کرد. بر اساس نتیجه مطالعات اعلام شده کارشناسان بانک فرانسوی «سوسایت جنرال» (Societe Generale)، بهای هر بشکه نفت خام برنت در اثر حوادث سوریه احتمالا تا ۱۵۰ دلار (تقریبا بمیزان ۴۰ دلار نسبت به قیمت چند ماه گذشته) افزایش خواهد یافت. بعد از آن، روزنامه بلژیکی اکو (Echo) این موضوع را در بوق و کرنا دمید. سپس همه رسانه های جمعی، از جمله رسانه های روسیه آن را انتشار دادند. کسان دیگری هم مشتاقانه در این باره نوشتند، که «مناقشه جدید خاورمیانه (بخوانید: حمله آمریکا به سوریه و گسترش آتش جنگ به خارج از مرزهای آن) میتواند برای روسیه، که تقریبا نیمی از بودجه آن از محل درآمدهای حاصل از نفت و گاز تأمین میشود، یک «هدیه» واقعی باشد. برای من گفتن هر سخنی غیر از اینکه همه این استدلالها چیزی بیش از فکر یک روزنامه نگار معمولی محروم از سواد اقتصادی و برای ترویج بدبینی یا تخریبات ایدئولوژیک نیست، مشکل است. اگر آنطور که یکی از روزنامه های مسکو هیچان زده گزارش داد: «در محافل عالی اقتصادی برآورد میکنند، که در بدترین حالت»، یعنی در صورت گسترش مناقشه به همه کشورهای تولید کننده نفت خاورمیانه، سالانه در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد

اضافی، یعنی یک چهارم بودجه، به صندوق بودجه وارد خواهد شد»، احتمالا، کس دیگری، و نفر سومی هم هست که چنین می پندارد.

برای اینکه این «کشف ها» خواننده ساده لوح را گمراه نکنند، من نگاه کمی عمیق تر به مسئله را پیشنهاد میکنم.

اگر افزایش قیمتها رخ بدهد، خیلی زیاد و برای مدت طولانی نخواهد بود

برای شروع، لازم به تأکید میدانم، که تولید نفت سوریه بسیار ناچیز است و سهم آن، فقط ۰/۲ (دو دهم) درصد از تولید جهانی طلای سیاه را شامل میشود. در حال حاضر، این کشور توانائی صدور نفت به بازارهای خارجی را از دست داده است. به سخن دیگر، در صورت روند مساعد وقایع، بدین معنی، که اگر آتش اقدامات نظامی به خارج از مرزهای سوریه سرایت نکند، تأثیر عامل سوریه بر وضعیت بازار جهانی انرژی ناچیز خواهد بود. حالا، روند رشد نامساعد سناریو را، که در آن صورت، وقایع سوریه اوضاع همه منطقه خاورمیانه را دچار بی ثباتی خواهد ساخت، مورد توجه قرار دهیم. لازم به ذکر است، که در حدود یک سوم نفت جهان در منطقه خاورمیانه تولید میشود. پیش بینی انحرافی کارشناسان بانک فرانسوی «سوسایت جنرال» (Societe Generale)، دقیقاً بر پایه همین سناریوی تشدید جنگ استوار است.

بر اساس تخمین تحلیلگران جدی، قیمت جهانی نفت واقعا هم میتواند افزایش یابد. اما تأثیر قیمتی بسیار کم و کوتاه مدت خواهد بود. به این دلیل بسیار کم خواهد بود، که قیمت نفت، به عقیده تحلیلگران، هم اکنون هم بسیار بالا است. اگر افزایش هم بیابد، بسیار کم خواهد بود و مشکل بتواند تا مرز ۱۵۰ دلار برسد. اما مسئله اصلی این است، که افزایشها به مدت طولانی ادامه نخواهد داشت. تجربه اقدامات نظامی علیه عراق، لیبی، بی ثبات سازی اوضاع داخلی مصر در برابر چشمان ما است. سناریو همان است که بود: افزایش کوتاه مدت قیمت و بازگشت آن به موقعیت مبداء. امروز ذخایر کافی برای تأمین کاهش احتمالی حجمی عرضه مواد مولد انرژی وجود دارد. کشورهای عضو اوپک اعلام کرده اند، که اگر قیمتها رو به افزایش بگذارد، آنها بازار جهانی انرژی را «تنظیم خواهند کرد». آنها به بهای فزون از حد نیاز ندارند. این کشورها دارای ذخیره قابل ملاحظه ای هستند و برای تثبیت قیمتها آماده اند. افزایش ناگهانی قیمتها، بطور کلی به نفع کشورهای عضو اوپک نیست، زیرا، چنین افزایشها زمینه مساعدی برای توسعه انرژی های جایگزین و ارتقاء تأثیرگذاری مصرف انرژی فراهم می سازد. به همین دلیل، کشورهای تولیدکننده نفت «میانگین طلائی» را

ترجیح می دهند، و شاخص قیمت کنونی، حتی خیلی بیشتر از «میانگین طلائی» مورد نظر آنهاست.

الکساندر رازووایف، رئیس شعبه مطالعات شرکت «آپلاری» می گوید: «بعقیده ما، وضعیت سال ۲۰۰۳، زمان جنگ آمریکا و متحدانش بر علیه عراق، در بازار مواد خام تکرار میشود. نفت جایزه جنگی میگیرد، قیمت هر بشکه نفت برنت میتواند تا سطح ۱۲۰ دلار، حتی ۱۳۰ دلار برسد، اما مشکل بتواند تا سقف تاریخی سال ۲۰۰۸ افزایش یابد. اگر چه احتمال کمی وجود دارد، که حاکمیت کنونی سوریه مثل دولت عراق در سال ۲۰۰۳، خیلی زود ساقط شود. بنا بر این، قیمت نفت کاهش می یابد. در چهارچوب این سناریو میتوان انتظار داشت که قیمت هر بشکه نفت برنت تا سطح ۱۰۰-۱۰۵ دلار کاهش بیابد».

غرب هم به افزایش بهای نفت نیاز ندارد

آمریکا نیز اشاره کرد، که قیمت نفت بطور ناگهانی افزایش نخواهد یافت. **اد کروکس** و **گرگوری مایر** در مقالات منتشره خود در فایننشال تایمز (۵/۹/۲۰۱۳) تأکید میکنند، که اگر قیمت هر بشکه نفت پس از آغاز حمله نظامی علیه سوریه تا سطح محسوس ۱۲۰ دلار افزایش یابد، آمریکا مقادیری از ذخیره استراتژیک خود را به بازار عرضه خواهد کرد. آژانس بین المللی انرژی هم، که با کشورهای غربی تخصیص مشترک نفت و ذخیره را هماهنگ میکند، موضع خود را مشخص کرد. سخنگوی آژانس بین المللی انرژی چند روز قبل اظهار داشت: «ما برای واکنش به هر گونه دشواری در بازار نفت آماده ایم. اما وضعیت کنونی نیازی به مداخله ما ندارد». اگر آمریکا (احتمالاً، همراه با کشورهای دیگر) بخشی از ذخیره نفت خود را عرضه نمایند، افزایش قیمتها متوقف خواهد شد.

جیسون باردوف، مسئول سابق مسائل نفت در کاخ سفید و رئیس کنونی مرکز سیاست انرژی جهانی میگوید: «هنوز هیچ دلیلی برای اقدام جدی وجود ندارد. اما اگر بهای هر بشکه نفت تا ۱۲۵ دلار افزایش یابد، این بدین معنی خواهد بود، که وضعیت دشواری، احتمالاً، به علت اختلال موقتی در حمل نفت، در بازار پیش آمده است. در این صورت هم عرضه نفت از ذخایر استراتژیک پیش می آید». **دیوید گولدوین**، کارمند سابق وزارت خارجه و وزارت نیروی آمریکا معتقد است، که ضرورتاً کاخ سفید باید در باره احتمال استفاده از ذخیره نفت ضراحتاً بگوید و به این ترتیب به بازار اطمینان دهد. او اظهار اطمینان می کند، که «مهم آن است، که آنها بگویند و زمانیکه آنها در این باره حرف بزنند، معلوم میشود که بالاخره آنها این کار را انجام میدهند». و این هم بمعنی اولین فروش نفت از ذخیره استراتژیک پس از

سال ۲۰۰۱ خواهد بود. در آن سال، بمنظور تخفیف نگراییهای بازار از کاهش تولید نفت در لیبی، رهبران کشورهای توسعه یافته هنگام جنگ از ذخایر استراتژیک استفاده کردند. سؤال میشود: چرا واشنگتن این قدر از عواقب تجاوز نظامی احتمالی علیه سوریه نگران است؟ البته برای اینکه هر حرکتی در هر بازاری (نه تنها نفت) امروز میتواند نقش چاشنی انفجاری را برای تحریک بحران جهانی ایفاء نماید. امروز بازار جهانی سهام دقیقا به تار مویی بسته است. در اینجا حتی معلوم نیست، کدام عامل منفی تر در این بازار بازتاب می یابد: وقایع اتفاقیه سوریه یا اشاره شوم **بن برنانکه** به این، که بانک فدرال رزرو میتواند بستن برنامه «کاهش کمی» را شروع کند. **الکساندر رازوویف** میگوید: «سقوط بازارهای جهانی سهام باعث افزایش بهای نفت در بازار سهام روسیه خواهد بود».

وقایع سوریه میتواند بمثابه چاشنی انفجاری بحران جهانی عمل کند

اما در باره اینکه بگفته بسیاریها، وقایع سوریه میتواند بحران اقتصادی و مالی جهانی را تحریک نماید. البته، تعیین دقیق اینکه چه کسی برنده سود و چه کسی بازنده آن خواهد بود، تقریبا غیرممکن است. بااحتمال قوی، بازنده همه خواهند بود. و روسیه هم. سال ۲۰۰۸ را بخاطر آوریم. در ماه ژوئن، در آستانه بحران، قیمت بی سابقه ۱۴۷/۳ دلار برای هر بشکه نفت ثبت شد. اما تا اواخر سال ۲۰۰۸ مظنه نفت تا سطح ۳۵ دلار سقوط کرد. همه پروژه های بودجه ای مرتبط با رشد بهای نفت شکست خوردند. روسیه به گرداب بحرانی افتاد، که تا کنون از آن خلاص نشده است.

بی ثبات سازی جدی خاورمیانه و نزدیک، مملو از خسارات عمده برای روسیه است، که میتواند چندین برابر بیشتر از نفع آن در اثر افزایش قیمت نفت باشد. بویژه، میتوان کاهش (یا حتی قطع کامل) صدور تجهیزات نظامی روسیه به منطقه را انتظار داشت. فضای سرمایه گذاری در شمار زیادی از کشورها تخریب خواهد شد. اثرات تخریب، روسیه را تحت تأثیر قرار خواهد داد، زیرا، سرمایه گذاران بخوبی درک می کنند، که سوریه، فقط حلقه واسط زنجیر ماجراجوئی نظامی به حساب می آید. بدین سبب، خروج سرمایه خارجی از روسیه اجتناب ناپذیر میشود، فرار از کشور و سرمایه داخلی شتاب میگیرد.

در بدترین حالت اما، اگر پس از سوریه نوبت ایران برسد و غرب بتواند کنترل خود را بر منطقه اصلی تولید و صدور نفت جهان برقرار نماید، روسیه «سلاح نفتی» و همچنین، احتمالا، «سلاح گازی» خود را بسادگی از دست می دهد. اگر، مثلا، رژیم کنونی سوریه سقوط نماید، قطر بعنوان متحد معتمد غرب، دارای چنان پتانسیلی است که بتواند «گازپروم» را در اروپا برای مدت طولانی در تنگنا قرار دهد.

همچنین توجه داشته باشیم، که کمپانیهای نفتی روسیه نیز تمایلی به رشد قیمت طلای سیاه ندارند. آنها از قیمت کنونی کاملا راضی هستند، زیرا، در حال حاضر امتیازات تأمین مالی و اجرای پروژه های سرمایه گذاری با قیمت نفت گره خورده است. آنها برای بدست آوردن این امتیازات، انرژی زیادی صرف کرده اند، اما با افزایش قیمت این امتیازات را از دست میدهند و دستیابی مجدد آنها به این امتیازات بسیار دشوار خواهد بود.

از قضا، ریاضت اقتصادی اعلام شده از سوی رئیس جمهور روسیه، حتی در صورت افزایش بهای نفت در اثر حوادث سوریه ملغا نخواهد شد. **آنتون سیلوآنوف**، وزیر دارائی روسیه، هنگام برگزاری اجلاس کشورهای «گروه بیست» در پتربورگ، در مصاحبه با کانال تلویزیونی «راشا تو دی» (روسیه امروز) در رابطه با این موضوع مخصوصا اظهار داشت: «هر گونه تغییر قیمتها (قیمت نفت) از نظر روسیه بمعنی آن است، که همه درآمد اضافی حاصل از افزایش قیمت نفت و گاز را به صندوق ذخیره خواهد افزود».

بالاخره، نتیجه گیری. اول- رویدادهای سوریه بلاواسطه تأثیر محسوسی روی بازار جهانی نفت نمی گذارد، بنا بر این، درآمد اضافی قابل ملاحظه ای از افزایش بهای طلای سیاه نمی توان انتظار داشت. دوم- این وقایع میتوانند شروع دور جدید بحران اقتصادی جهانی را، که یک تهدید جدی برای اقتصاد روسیه است و میزان خسارت آن قابل ارزیابی نیست، تسریع نمایند. بدین سبب، نه تنها از نقطه نظر ملاحظات اخلاقی و سیاسی، بلکه از مبداء پیروی از منافع اقتصادی، روسیه به هر اقدام ممکن برای مقابله با تجاوز نظامی و تشدید بحران، دست خواهد زد.

اطلاعیه

آنکه عمری هوس سوختن ما می کرد کاش می آمد و این سوز تماشا می کرد

«...»

رفقا، دوستان و همزمان گرامی!

از چند وقت پیش، از زیر خاکستر خرمن سوخته زندگیم آتش جانسوزی در حال دود کردن است. اگر فروکش کند و خاموش شود، شمع کوچکی که در طول سالیان طولانی سعی کرده ام در راه پر درد و رنج حقیقت و عدالت برافروزم، به پرتو افکنی خود به منوال سابق ادامه خواهد داد. اما، داد از آن روزی که شعله ور شود و زبانه کشد، آن وقت، یقیناً،

این شمع برای مدت‌ها (شاید برای همیشه) خاموش شود و خاموشی آن، طبعاً رفقا، دوستان و آزادگان را آزرده، گماشتگان و مأموران و فریب خوردگان دولت مخفی جهانی را، عاملان و مسببان همه شوربختی‌های جوامع انسانی - سرمایه و صاحبان سارق آن را، تاریخ اندیشان ساکن تاریخخانه‌های سرمایه را، عمال باندهای مافیائی حاکم بر کشورهای جهان - مافیای پول (دلار) و طلا، مواد مخدر و صنایع نظامی... را شادمان خواهد کرد.

در هر حال، در فرصت کوتاهی که در فاصله ۱۱ روز پس از تقدیم آخرین مقاله (سخنرانی اوباما...، مناقشه با واقعیت)، دست داد، ترجمه مقاله «سوریه و نفت» را تقدیم نموده و هنوز امیدوارم بدترین حالت اتفاق نیافتد و فرصت بیشتری برای ادامه کار روشنگرانه و انجام وظیفه انسانیم کما فی السابق داشته باشم.

با یقین به پیروزی حقیقت و عدالت!_

• -
.